

می‌کردند و باز خورد هایشان، بسته به اینکه آیه بشارت بود یا عذاب، متوجه می‌شدم که کاملاً معنای آیه و پیام تلاوت بنده را درک کرده‌اند.

مسیری که در پیش گرفته‌ای، انتہا دارد؟

تلاوت قرآن، علم است و علم، انتهای ندارد.

افقت در این مسیر چیست؟

برای خودم جایگاهی در ذهنم تعریف نکرده‌ام که بگویم با رسیدن به آن، دیگر تلاش برای رشد را متوقف می‌کنم؛ با این حال افق این است به سطحی برسم که با قرآن شناخته شوم، شبیه مصطفی اسماعیل. می‌خواهم این شناخته شدن در گستره جهان اسلام باشد و پرچم این افتخار، از ایران عزیز بلند شود.

توصیه‌ای برای والدین دغدغه‌مند داری که چطور فرزندشان را به سمت قرآن، سوق بدهند؟

علاقه بچه‌شان را بشناسند و فراهم کردن آن را به تلاوت قرآن گره بزنند. این علاقه می‌تواند سفر باشد، هدیه یا هر چیز دیگری که خودشان بهتر می‌دانند.

ناگفته‌ای مانده است؟

خودم را کسی نمی‌دانم اما اگر حمایت‌های مالی و عاطفی پدر و مادرم نبود، یک دهم فعلی هم نبودم. یادم است پدرم چطور با دغدغه‌مندی و رضایت، هزینه کلاس‌هایم را جور می‌کرد و مادرم را که بنده خدا، با اتوبوس همراهم می‌آمد تا محل کلاس‌هایم. دست بوسشان هستم و هر هدیه‌ای برای حضور در مسابقات بگیرم، بی‌ذره‌ای تعلق خاطر و دل بستگی تقدیمشان می‌کنم. بماند که آن‌ها همان هدیه به اضافه هدیه‌ای مضاعف را به خودم برمی‌گردانند.

ویک آرزوی قرآنی.

امیدوارم با پیروزی اسلام، سایه جنگ از ایران عزیز دور شود و در محضر رهبر معظم انقلاب، آقا سید مجتبی خامنه‌ای، تلاوت کنم.

روایت کشف یک استعداد قرآنی

دکتر محمد رضا ملکی

بازنشسته آموزش و پرورش، فعال قرآنی



هر کسی، عشقی دارد و من، عاشق تلاوت قرآن و شنیدن تلاوت‌های خوب هستم. از پنجاه سال پیش تا الان، شب‌ها در محافل قرآنی مشهود و گهگاه در برنامه‌های قرآنی سایر شهرها شرکت می‌کنم تا کمکی کرده باشم به کشف استعداد های ناشناخته قرآنی و راهنمایی افراد علاقه‌مند به این مسیر. علی‌ارجمندی را چند باری در جلسات مختلف مشهود دیده و تلاوت‌هایش را شنیده بودم. او، هم استعداد ویژه‌ای برای تلاوت حرفه‌ای دارد و هم توانایی‌اش را، حیف بود این ویژگی‌ها هدر برود. بنابراین با استاد حامد شاکرنژاد صحبت کردم. از روی رفاقت دیرینه و مسئولیتی که در تنظیم برنامه‌ها و مشاوره به ایشان دارم، خواستم با تمام مشغله‌ای که دارند، خودشان ادامه پرورش استعداد علی را به عهده بگیرند. خوشحالم از این پیشنهاد و پذیرفته شدن آن. با پشتکاری که در علی می‌بینم، آینده درخشانی برای او و افتخارات بزرگی در انتظار مشهود خواهد بود. ان شاء الله.

ارتباط مستمر با قرآن، در زندگی‌ات چه تأثیری ملموسی داشته است؟

حافظه‌ام به برکت قرآن، قوی شده است. شاید عجیب باشد برایتان ولی من تمام پلاک خودروها در منطقه سکونت‌مان را می‌دانم. نه فقط پلاک‌ها، هر چیزی را که یک بار ببینم در ذهنم نقش می‌بندد. هوش موسیقایی‌ام تقویت شده است و با شنیدن یک نغمه قرآنی، بلافاصله می‌توانم اجرا کنم. از این‌ها مهم‌تر، حس و حال خوب است. هر وقت چیزی ناراحت می‌کند، مثل بحث و جدل یا تجربه یک شکست یا هر ناراحتی دیگر، قرآن را باز می‌کنم و شروع می‌کنم به تلاوت یا اینکه استماع می‌کنم یک تلاوت را و حال خوب می‌شود.

بزرگ‌ترین غمی که به تازگی تجربه کردی و با کمک قرآن التیام پیدا کرد، چه بود؟

شهادت آقا بود. نهم اسفند، بعد از سحری و نماز صبح، داشت خواب می‌برد که با صدای گریه پدر و مادرم، هشیار شدم. دویدم توی حال واز تلویزیون، متوجه خبر شدم. شوک زده بودم در حدی که نمی‌توانستم روی زانوهایم بایستم. حسرت تلاوت در محضر آقا به دل‌م ماند. من با این آرزو، فقط دوسه هفته، فاصله داشتم. توی آن شرایط، فقط قرآن می‌توانست آرامم کند.

این حسرت را با آرزوی دیگری جایگزین کرده‌ای؟

نمی‌توانم جایگزین کنم. آخر، آقا که جایگزین نداشت. مشایه نداشت. مثل نداشت. آقایی بود. در سوم تدفینشان در رواق دارالذکر، برنامه تلاوت بر سر مزارشان براریم جور شد؛ ساعت ۱۲ نیمه شب. قرآن می‌خواندم و مردم گریه می‌کردند.

کدام آیات را انتخاب کرده بودی؟

آیاتی از سوره حشر را، آنجاکه می‌فرماید: «لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة. اصحاب الجنة هم الفائزون...» و آیاتی از سوره احزاب که می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه...».

این روزها مسائل مادی، دغدغه خیلی‌هاست. نشستن بر سر سفره قرآن، برکات مادی هم دارد؟

البته که دارد. گاهی با خودم حساب و کتاب می‌کنم که فلان چیز را لازم دارم ولی پول ندارم. امسال درگیر کنکور بودم و نمی‌توانستم سر کار بروم. این فکرها توی سرم هست که می‌بینم بلافاصله یک محفل قرآنی هماهنگ می‌شود. هیچ وقت برای پول، نمی‌روم برای تلاوت و با مدیران برنامه، شرط مالی نمی‌گذارم برای حضورم اما می‌بینی آنجا هدیه‌ای می‌دهند که نیاز مالی‌ام را تأمین می‌کند. استاد حامد همیشه می‌گویند، بیاتوی خط قرآن، کازت را انجام بده و دیگر به هیچ چیز فکر نکن. برکات به سمت سرازیر می‌شود.

شناخته شدن به عنوان چهره قرآنی برای محدودیت زاست؟

به معنی مثبتش بله. به هر حال وقتی به عنوان یک چهره قرآنی شناخته می‌شوی باید در حد این جایگاه، رفتار کنی. انگار خدایک سیم خاردار به دورت می‌کشد و تو را از اشتباهات رفتاری، حفظ می‌کند؛ یک جور تربیت کردن.

تجربه حضور در محافل قرآنی برون مرزی را داشته‌ای؟

چند دفعه به عراق دعوت شدم، مثل رمضان گذشته، پیش از شهادت آقا و محرم امسال.

چینش برنامه و رفتار شنوندگان، با ایران تفاوت دارد؟

تفاوت‌ها زیاد است. اینجا برنامه‌ها مداحی محور است عموماً و اوج ازدحام جمعیت، در همان دقایق است. در عراق، چیزی که دیدم این طور نبود. وقتی برنامه، با تلاوت قرآن توسط بنده شروع می‌شد، اوج جمعیت بود و بعد از آن، از ازدحام کم می‌شد. نکته دیگری که برایم برجسته شد دقت مستمعان بود. آیات را از روی قرآن، قرائت و زمزمه



برشی از برنامه تلویزیونی
محفل با حضور علی
ارجمندی



تلاوت علی ارجمندی در
مسابقات رویش که رتبه
نخست کشور را از آن خود کرد

